

درون رژیم ایران (بخش ۲): بحران روحانیت

به قلم مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

۴ آوریل ۲۰۲۳

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/inside-irans-regime-part-2-clerical-crisis

العربية (/ar/policy-analysis/dakhl-alnzam-alayrany-aljz-althany-azmt-rjal-aldyn/)

درباره نویسنده



مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

مهدی خلجی عضو ارشد و هموند پژوهشی خانواده لیبیتسکی در انستیتو واشنگتن پژوهشگر تشیع فلسفه و کارشناس سیاست ایران



تحلیل کوتاه

در فضایی که بسیاری از روحانیون از موقعیت خود ناراضی هستند و برخی اعتقاد خود را به جمهوری اسلامی از دست می‌دهند صورت‌جلسه ادعایی از یک ملاقات اخیر سران نظامی رژیم نشان می‌دهد که بحران جاری چگونه ممکن است همزمان با تداوم ناآرامی‌ها تحول یابد

هفته گذشته وقتی سندی با این ادعا که صورت‌جلسه ملاقات ۳ ژانویه بین علی خامنه‌ای رهبر ایران و چهره‌های ارشد سپاه پاسداران است منتشر شد نگرانی‌ها درباره روحانیت در متن آن مشهود بود به‌خصوص اینکه از قرار افراد حاضر درباره نحوه واکنش روحانیون به اعتراضات اخیر ایران و سرکوب متعاقب آن از سوی رژیم حرف‌های زیادی داشتند (برای بحث درباره منشأ سند و پیامدهای سیاست‌گذاری

<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/inside-irans-regime-part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc>)

بخش (irgc) (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/inside-irans-regime-part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc>)

این (fissures-and-poor-morale-irgc) (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/inside-irans-regime-part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc>)

دیدبان (part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc) (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/inside-irans-regime-part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc>)

سیاست (analysis/inside-irans-regime-part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc) (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/inside-irans-regime-part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc>)

گذاری (morale-irgc) (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/inside-irans-regime-part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc>)

را (growing-fissures-and-poor-morale-irgc) (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/inside-irans-regime-part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc>)

ببینید (irans-regime-part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc) (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/inside-irans-regime-part-1-growing-fissures-and-poor-morale-irgc>)

مثلا از محمود محمودی شاهرودی مسئول سابق سازمان بسیج طلاب وابسته به سپاه پاسداران نقل شده که گفته است هرگز مسائلی را که در حال حاضر شاهد است پیش از این تجربه نکرده بوده از جمله اینکه تعداد بی‌سابقه‌ای از روحانیون دچار تقابل عقیدتی عمیق با یکدیگر شده‌اند یا کلا «لباس مقدس روحانیت را ترک کرده‌اند» (به گفته او بالغ بر ۵۰۰۰ نفر از اعضای بسیج طلاب در ماه‌های اخیر یگان‌های خود را ترک کرده‌اند). برخی کلاس‌های حوزه علمیه به میدان نبرد بین طلبه‌ها و مدرسین بر سر توجیه مذهبی (یا فقدان آن) برای رفتار رژیم نسبت به معترضان بدل شده است و در بسیاری موارد چنان که از قول او گفته شده طلاب قوه قضاییه را مقصد دانسته‌اند و از خود خامنه‌ای به شدت انتقاد کرده‌اند سپس گفته شده که شاهرودی به مخاطبان خود هشدار داده است که: «ممکن است خطر از دست دادن اعتقاد به رژیم و رهبری کل رژیم را تهدید کند.»

در مورد بسیج طلاب از شاهرودی نقل شده که این سازمان با «مشکلات عقیدتی مالی و محلی» روبه‌روست مثلا بسیاری از روحانیون بعد از اعتراضات جاری احساس امنیت نمی‌کنند چون حضور در انظار عمومی برای آن‌ها بدون آزار کلامی دیدن یا مواجه شدن با حملات فیزیکی دشوار شده است همین‌طور گفته شده که او گلايه کرده است که درآمد روحانیون کم است طوری که بسیاری از آن‌ها مجبور به داشتن شغل دوم هستند اما به گفته او «اساسی‌ترین مسئله» بحران عقیدتی در میان طلاب است که تا سرحد تردید در مشروعیت رهبر بسط یافته است از مقامات کلیدی دیگری که در سند نام برده شده نگرانی‌های مشابهی درباره تشدید مسائل عقیدتی در میان روحانیان و نظامیان در اثر اعتراضات نقل می‌شود

ترک جامعه روحانیت از سوی طلاب پدیده‌ای نادر در تاریخ مدرن ایران نیست بسیاری از طلاب جوان وقتی با بحران‌هایی مواجه شدند که برای آن‌ها توجیه دینی یا منطقی رضایت‌بخشی پیدا نکردند چنین تصمیمی گرفتند و عده‌ای نیز به انگیزه‌های مالی اجتماعی یا سیاسی از کسوت روحانیون بیرون آمده‌اند آنچه اظهارات منتسب به شاهرودی را متمایز می‌کند بحث او در این باره است که این مسئله از زمان بروز اعتراضات سراسری در سال گذشته رشد تصاعدی داشته است

در حوزه مالی مشکلات اقتصادی از قدیم برای طلاب مسئله بوده است چون درآمدشان به یک حقوق ماهانه (شهریه) محدود است که بستگی زیادی به این دارد که مراجع ارشد دینی آن‌ها چطور (و چقدر) شهریه بین طلاب خود توزیع کنند انقلاب ۱۹۷۹ نحوه کسب پول از سوی روحانیت را به شدت تغییر داد پیش از آن مراجع به جمع‌آوری مالیات واجب دینی محدود بودند اما تاسیس جمهوری اسلامی به آن‌ها امکان داد تا به منابع بی‌شمار دیگری در بودجه دولت و بخش خصوصی دست پیدا کنند در عین حال این ثروت نوظهور هرگز به طور منصفانه در میان روحانیون منفرد توزیع نشده است و نهاد مذهبی در کل به رفتار عادلانه با آن‌ها چه از لحاظ اقتصادی یا سیاسی متعهد نیست در نتیجه تعداد زیادی از روحانیون خصوصا کسانی که بر مطالعه در حوزه‌ها تمرکز دارند و سمت اداری در حوزه علمیه یا دولت ندارند حالا خود را جزو طبقات پایین‌تر جامعه ایران می‌بینند در میان آن عده هم که از روی چشمداشت‌های مالی وارد حوزه شده‌اند که همراه با کسب قدرت سیاسی از سوی روحانیون حاصل می‌شود بسیاری حالا نسبت به چشم‌انداز آینده احساس سرخورده‌گی دارند و در نتیجه برای ماندن در کسوت روحانی دلیل چندان ندارند

در مورد پدیده کسانی که به دلایل عقیدتی حوزه را ترک می‌کنند تغییر اصلی صرفا به خاطر مخالفت روحانیون منفرد با دیدگاه‌های رایج در حوزه نیست بلکه بیشتر ماهیت رژیم است که این افراد به آن واکنش نشان می‌دهند در گذشته عناصر متعصب در نهاد حوزه معمولا با هرگونه اصلاح اساسی مخالف بوده‌اند ولی مخالفت آنان اغلب مبنای دینی داشت یعنی نسبت به هرگونه شیوه فکری یا عملکردی که به نظرشان خلاف عرف برای یک روحانی بود مخالفت می‌کردند

اما در دهه‌های اخیر ماهیت جمهوری اسلامی تحت سیطره خامنه‌ای تحول پیدا کرد و روح مذهبی سنتی روحانیت (از جمله اختلافات داخلی آن) را به امری با ماهیت بیشتر سیاسی عقیدتی و تمامیت‌خواه تبدیل کرد نهاد حوزه از یک نهاد ساده سنتی به یک بوروکراسی عظیم و پیچیده دگرپرسی یافته است و تمام روحانیون تحت پایش عقیدتی مداوم هستند و هر از گاهی اگر از خطوط قرمز تعیین‌شده از سوی رهبری تخطی کنند مجازات می‌شوند به خاطر چنین سازمانی و با نبود امید برای اصلاحات بسیاری از طلاب جوان صرفا بعد از چند سال روحانیت را ترک گفته‌اند و تعداد طلاب جدیدی که به حوزه‌ها وارد می‌شوند به میزان بی‌سابقه‌ای سقوط کرده است

به این ترتیب این نهاد به دو طبقه تقریبی تقسیم شده است: روحانیونی که ذی‌نفعان مستقیم اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی هستند و کسانی که خود را «روحانیون سنتی» می‌دانند و از وابستگی به دولت اجتناب می‌کنند تعداد زیاد روحانیونی که مناصب دولتی دارند یا از حمایت مالی حکومت برخوردارند در گروه اول قرار دارند و مراجع تقلیدی مثل علی سیستانی یا حسین وحید خراسانی جزو گروه دوم هستند

به خاطر تصویر غالب از طبقه حاکم ایران بیشتر «روحانیون سنتی» عمیقا نگران آینده این نهاد شیعه هستند هرچند آن‌ها از ایدئولوژی

سیاسی رژیم دکترین ولایت فقیه ان (که ولایت مطلقه را به شخص رهبر می‌دهد) یا سیاست‌ها و رفتارهای مختلف ان در داخل حمایت نمی‌کنند. کماکان تمایلی به بیان روشن دیدگاه‌های متفاوت یا حمایت از قربانیان سرکوب رژیم و نقض حقوق بشر از سوی رژیم ندارند. این انفعال نسبی از دو دلیل نشأت می‌گیرد: (۱) با توجه به برخورد پرخاشگرانه رژیم با روحانیون دینی برجسته در گذشته (مثل کاظم شریعتمداری و حسینعلی منتظری) این گروه احساس ایمنی از سرکوب احتمالی دولت نمی‌کنند و (۲) نگران آن هستند که اگر جمهوری اسلامی به نوعی بدیل سکولار (خواه رژیم نظامی یا دموکراتیک) تغییر ماهیت دهد چه اتفاقی خواهد افتاد چون روحانیون انتظار دارند در چنان نظامی جایگاه اجتماعی تاریخی خود را از دست بدهند و مثل بقیه شهروندان با آن‌ها رفتار شود.

به عبارت دیگر «روحانیون سنتی» در عین حال که از رژیم انتقاد می‌کنند که چرا چهره‌های مذهبی را طبقه حاکم ملت و منبع مشروعیت جلوه می‌دهد همزمان قادر به حمایت از شکلی سکولار از دولت نیستند که در آن نهادهای دینی دیگر امتیازی ندارند. پیامدهای عملی این دوراهی از پاییز گذشته به شکلی دردناک عیان شد: روحانیون سنتی به لحاظ سیاسی ناتوان هستند و هیچ اراده یا ابزاری برای جداکردن خود از دولت و حمایت از مطالبات دموکراتیک مردم ندارند.

از منظر تحولات آتی صحبت‌های متناسب به شاهرودی تغییرات قریب‌الوقوعی را در بافت روحانیت نشان می‌دهد. خصوصاً در میان طلبی که استخدام نشده‌اند و خود را از امتیازات رژیم محروم می‌یابند. این احتمال هم وجود دارد که دستگاه روحانیت امنیتی‌تر شود که در آن صورت تنها درهای باقیمانده برای اصلاح را هم خواهد بست و صداهای منتقدی را که ممکن است چاره‌های موقت برای بحران فزاینده جاری فراهم کنند سرکوب خواهد کرد.

مهدی خلجی هموند خانواده لیبتسکی در انستیتو واشنگتن است.



RECOMMENDED

ARTICLES & TESTIMONY

The Rise and Fall of Kurdish Power in Iraq

Spring 2023

Bilal Wahab

(/policy-analysis/rise-and-fall-kurdish-power-iraq)



تحلیل کوتاه

درون رژیم ایران (بخش ۱): شکاف‌های روزافزون و روحیه ضعیف در سپاه پاسداران

۳ آوریل ۲۰۲۳

پاتریک کلاوسون

(/policy-analysis/drwn-rzhym-ayran-bksh-1-shkafhay-rwzafzwn-w-rwhyh-dyf-dr-spah-pasdaran/)



ARTICLES & TESTIMONY

Are Surprise Oil Production Cuts a Saudi Message to Washington?

آوریل ۲۰۲۳

◆
Simon Henderson

[\(/policy-analysis/are-surprise-oil-production-cuts-saudi-message-washington\)](/policy-analysis/are-surprise-oil-production-cuts-saudi-message-washington)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/dmkrazy-w-aslah/\)](/policy-analysis/dmkrazy-w-aslah/) دمکراسی و اصلاح

[\(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/\)](/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/) عرب و اسلام سیاسی

REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/ayran/\)](/policy-analysis/ayran/) ایران